

تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار در نواحی روستایی و شهری استان کهگیلویه و بویراحمد

محمدحسین ابتکاری^{۱*}، سیروس احمدی^۲، داریوش بوستانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

۲. دانشیار، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

۳. دانشیار، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳)

چکیده

همه جوامع در معرض رفتارهای نابهنجار قرار دارند. در وضعیت نابهنجار نرخ انواع آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و نظم اجتماعی متزلزل می‌شود. امروزه یکی از شرایط اساسی ایجاد جامعه سالم، اعتماد اجتماعی بین اعضا، مردم و مسئولان است. در این زمینه، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار است. شیوه تحقیق همبستگی و جامعه آماری، شهروندان ۶۵ - ۱۸ سال نواحی شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد بودند که ۴۵۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که اعتبار آن با روش‌های اعتبار محتوا و اعتبار سازه‌ای به روش تحلیل عاملی تأییدی، و پایایی آن به روش کودر ریچاردسون بررسی شد. براساس یافته‌های تحقیق، میزان پتانسیل رفتارهای نابهنجار و اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه کمتر از حد متوسط است. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز بیان‌کننده این است که اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتار نابهنجار تأثیر منفی دارد و قادر است ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. همچنین، ضریب تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار (۰/۶۷-) است که با توجه به مقدار تی (معادل ۸/۷) این ضریب، معنادار است و نشان می‌دهد به ازای هر واحد تغییر در اعتماد اجتماعی، ۰/۶۷ پتانسیل رفتار نابهنجار در جهت معکوس تغییر به وجود می‌آید.

کلیدواژگان

اعتماد اجتماعی، پتانسیل رفتار نابهنجار، رفتار نابهنجار.

* نویسنده مسئول، رایانامه: mh.ebtkari@yahoo.com

مقدمه

بقا و دوام هر جامعه‌ای، مستلزم حداقلی از نظم اجتماعی است. این نظم از طریق ارزش‌ها، به‌عنوان مفاهیم کلی و مشترک درباره آنچه خوب، درست و مطلوب است (Ferrante, 2011, p.11) و هنجارها، به‌عنوان الگوها و قواعد عینی رفتار در موقعیت‌های مختلف (Ferris & Stein, 2010, p.104) به دست می‌آید. هنجارها به‌عنوان تجلیات عینی ارزش‌ها، معمولاً به شکل شیوه‌های قومی^۱، رسومات اخلاقی^۲ و قوانین (Brinkerhoff et al., 2012, p.41) ظاهر می‌شوند و با تعیین رفتارهای مورد انتظار و پیش‌بینی‌پذیر، باعث می‌شوند، نظم اجتماعی در جامعه تضمین شود (Tischler, 2010, p.55). هنجارها همیشه اثرگذار نیستند و اگر قدرت تنظیم‌کنندگی و اثربخشی خود را از دست بدهند، نابهنجاری به‌وجود می‌آید (Kendal, 2011, p.13). در وضعیت نابهنجار که طی آن افراد از هنجارهای رسمی یا غیررسمی تبعیت نمی‌کنند، نرخ انواع آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. همه جوامع در معرض رفتارهای نابهنجار قرار دارند، اما پتانسیل نابهنجاری-ظرفیت پنهان جامعه در عدم تبعیت از هنجارها - (Giddens & Griffiths, 2009, p.794) در جامعه استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل تغییر و تحولات سریع اجتماعی مانند رشد شتابان طلاق، آمار بالای خودکشی (پزشک قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد و سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۵)، افزایش حاشیه‌نشینی (گزارش استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵)، افزایش سرقت، رشد مواد مخدر (گزارش نیروی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۹۵)، رشد فزاینده کودکان کار (گزارش استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵)، افزایش تصادفات رانندگی (گزارش فرماندهی پلیس راه کهگیلویه و بویراحمد، ۹۵)، افزایش پرونده‌های قضایی (گزارش رئیس دادگستری استان کهگیلویه، ۱۳۹۵)، شناسایی ۸۳۰۰ انشعاب آب غیرمجاز در سال ۱۳۹۴، و ۱۴۰۰ مورد در سه‌ماهه نخست ۱۳۹۴ (گزارش اداره آب و فاضلاب استان کهگیلویه، ۱۳۹۵)، و بالاخره، رتبه دوم

1. Folkways

2. Mores

مراجعان معاینات نزاع در بین استان‌های کشور در سال ۱۳۹۴ (پزشک قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵) بیان‌کننده این است که استان کهگیلویه و بویراحمد می‌تواند از پتانسیل نابهنجاری شایان توجهی برخوردار باشد.

یکی از شرایط اساسی ایجاد یک جامعه سالم، اعتماد اجتماعی بین اعضا، مردم و مسئولان است. نبود اعتماد میان مردم با رفتارهایی مانند اعمال خشونت، جرم و جز آن همراه است. در واقع، فقدان اعتماد بین اعضای اجتماع نظم اجتماعی را مختل می‌کنند و مانع از جریان صحیح کنش‌های اجتماعی می‌شود (دسترنج و ملاحی، ۱۳۹۶، ص ۴۹). سرمایه اجتماعی از مسیر جامعه-پذیری کنترل اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، هنجارمندی اجتماعی، فراهم‌سازی فرصت و نوعی دارایی با نظم و امنیت اجتماعی پیوند می‌یابد و بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند به دلیل نبود سرمایه اجتماعی در جامعه امروز میزان ارتکاب به انحراف، بزهکاری و جرم افزایش یافته است (افشانی و فرقانی، ۱۳۹۶، ص ۵). به عقیده فوکویاما معضلات و مشکلات اجتماعی نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی است. همچنین، مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی از نظر دورکیم و تونیس، اعتماد اجتماعی است (اسدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۵). در جوامع امروزی به علت حضور فراگیر مردم غریبه و ناآشنا، زندگی ما به مجموعه‌ای از ناشناخته‌ها و نامعین‌ها وابسته شده است و اعتماد، به نیازی اساسی برای کنار آمدن با غریبه‌ها و مسائل و آسیب‌های پیش‌رو تبدیل شده است (کمالی و اسکندری، ۱۳۹۰، ص ۹۸)، به‌طوری که از نظر زیمل، جامعه، بدون احساس اعتماد و سرمایه اجتماعی، از هم می‌پاشد (حیدری ساربان، ۱۳۹۶، ص ۵۱). شرایط حاضر استان کهگیلویه و بویراحمد نشان‌دهنده سطح پایین اعتماد اجتماعی است. مهاجرت گروه‌ها و قومیت‌های مختلف به این استان در سال‌های اخیر به واسطه شرایط آب و هوایی مناسب و رشد سریع صنعتی، همچنین به زعم فوکویاما شیوع خانواده‌مداری غیراخلاقی که وجود پدیده‌هایی از قبیل آشناپروری، پارتی‌بازی و جز آن را محتمل می‌دانند و تعصبات قومیتی و خویشاوندی که به عدم اطمینان به بیگانگان منجر شده، به این امر دامن زده است. براساس مستندات نیز، میزان اعتماد به خانواده، اقوام، دوستان و همسایگان در جامعه مورد مطالعه در سطح مطلوبی نیست، به‌طوری که حدود ۵۲

درصد افراد اعتماد اجتماعی متوسط و ضعیف دارند (میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵، ص ۶۲). بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار در نواحی شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد است.

مبانی نظری

نابهنجاری

برای لغت نابهنجاری معادل‌هایی نظیر Anomaly (غیرعادی‌گری)، Anomie (بی‌سازمانی) و Anom (ناپیروی) وضع شده است.

به‌طور کلی، سه معنای متمایز برای نابهنجاری مطرح شده است (بخارایی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷):

۱. بی‌سازمانی شخصیت، طوری که فرد، خود را منحرف و متمرّد در برابر قانون نشان می‌دهد.
۲. شرایط و وضعیتی که در آن رفتارهای در تنازع با یکدیگرند و افراد به سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماعی، آشتی و سازگاری پدید آورند.
۳. وضع یا شرایطی اجتماعی که فاقد هنجار باشد.

تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای نابهنجار

نظریه آنومی دورکیم

از نظر امیل دورکیم^۱ (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جامعه‌شناس فرانسوی، رفتارهای اجتماعی غالباً در جامعه کارکرد مثبت دارند. همین اصل در خصوص جرم نیز صادق است. دورکیم معتقد بود در جوامع و اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی برای حفظ نظم عمل می‌کنند. در چنین جوامعی با مقیاس کوچک، غلبه مذهب و نظام خویشاوندی به تضمین و بقای ارزش‌های مشترک و نظم اخلاقی می‌انجامد. دورکیم معتقد بود جرم یک نیروی اجتماعی مثبت است. جرم، قوانین جامعه را

1. Emil Durkheim

محک می‌زند و وضع موجود را به چالش می‌کشد و موجب تغییر و دگرگونی می‌شود. این تغییر، همیشه بنیادی نیست؛ ولی پایدار و پیش‌رونده است (تامسون^۱، ۱۳۹۷، ص ۱۶ - ۱۵).

نظریه فشار مرتون

از نظر مرتون^۲، موقعیت فرد در ساختار اجتماعی، عاملی مهم در واکنش فرد به فشارهای اجتماعی است. وی علاقه‌مند بود بررسی کند چرا گروه‌های معینی از مردم در مقایسه با دیگران، بیشتر کج‌روی می‌کنند. وی از جوامعی الهام گرفت که سیستم اهداف فرهنگی از پیش تعریف‌شده‌ای دارند که به مثابه اهداف مشروع برای همه اعضای جامعه عمل می‌کند. فرهنگ، نیز باید ابزارهای مشروع را از پیش تعریف کند و برای دستیابی به اهداف به کار گرفته شوند. بنابراین، افراد برای دستیابی به اهداف فرهنگی، از طریق موقعیتشان در ساختار اجتماعی، تحت فشارند، این در شرایطی است که وابستگی مردم به هنجارها، ممکن است کاسته شود و به انحراف کشیده شوند (تامسون، ۱۳۹۷، ص ۱۸ - ۱۷).

نظریه آنومی نهادی مسنر و روزنفلد

مؤلفه اصلی تز مسنر و روزنفلد^۳ به تبعیت از مرتن این است که جرم از تلاقی ویژگی‌های خاص فرهنگی و ساختاری جامعه ناشی می‌شود. جرم هنگامی شکل می‌گیرد که کنترل‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی نهادهای اجتماعی اصلی جامعه - خانواده، آموزش، نظام سیاسی و مذهب - ضعیف باشند یا هنگامی که نهادهای یادشده به شیوه‌ای عمل کنند که به‌طور مستقیم موجب افزایش جرم شوند. تأکید این نظریه بر دامنه کاملی از ویژگی‌های نهادهای اجتماعی در تسهیل جرم، عنصری مهم است که آن را از نظریه آنومی مرتن که بر قشربندی متمرکز است، متمایز می‌کند (مسنر و روزنفلد، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳).

1. Thomson

2. Merton

3. Messner & Rosenfeld

نظریه محرومیت فرهنگی و ناکامی منزلتی کوهن

آلبرت کوهن^۱ (۱۹۵۵) در نظریه خود از مباحث مرتون درباره فشار ساختاری و ناتوانی در دستیابی به اهداف فرهنگی بهره می‌گیرد. از نظر کوهن، مسئله‌ای که برای اعضای طبقه پایین و کارگر پیش می‌آید، این است که هدفشان در دستیابی به منزلت در جامعه با مانع روبه‌رو می‌شوند. محرومیت فرهنگی به سرخوردگی منزلتی منجر می‌شود و در این شرایط اعضای طبقه کارگر دسته‌های تبهکارانه تشکیل می‌دهند (تامسون، ۱۳۹۷، ص ۷۴).

نظریه خرده‌فرهنگ بزهکاری کلوارد و اوهلین

از نظر کلوارد و اوهلین^۲، انگیزه و آرزو برای موفقیت، به خودی خود مسئول انطباق با رفتار کژروانه نیست. فرد باید در «محیط‌های یادگیری کژروانه یا انطباق‌گرایانه» باشد که به او امکان دهد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را یاد بگیرد و عمل کند. صرف اینکه فرصت‌های مشروع در دسترس نیستند، لزوماً به این معنا نیست که فرصت‌های نامشروع آزادانه قابل دسترس هستند (کریستین و آکرز^۳، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶).

نظریه فشار عمومی

نظریه فشار عمومی استدلال می‌کند فشارها یا عوامل استرس‌زا احتمالاً با وجود حالات عاطفی منفی مانند خشم، سرخوردگی، ناامیدی و وجود محرک‌های منفی و حذف محرک‌های مثبت در زندگی افزایش می‌یابد. این حالات و محرک‌ها باعث ایجاد فشار برای اقدامات اصلاحی می‌شود و جرم یک پاسخ ممکن به آن است. انحراف و جرم ممکن است یک روش برای کاهش فشار باشد (Agnew, 2015, p.131).

1. Albert Cohen

2. Cloward & Ohlin

3. Christine & Akers

کنش اجتماعی پارسونز

بحث اصلی پارسونز^۱ در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش فرضی درباره خرده نظام های چهارگانه فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هر یک از این خرده نظام ها و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در صورتی که نهادهای و سازمان های کارگزار جامعه پذیری، نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی سازمانی اجتماعی می شود و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است (احمدی، ۱۳۹۴، ص ۵۴).

نظریه کنترل اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی به دنبال توضیح رفتار مجرمانه به عنوان تابعی از ارتباطات اجتماعی افراد است. این نظریه معتقد است افراد به طور طبیعی به ارتکاب جرم و رفتارهای نابهنجار برای رفع نیازهای برآورده نشده تمایل دارند و در جست و جوی لذت هستند (Ferguson et al., 2011, p.650). نظریه پردازان کنترل معتقدند سازوکار کنترل اجتماعی غیررسمی افراد را از نقض هنجارها و قواعد جمعی جامعه نگه می دارد (Frank et al., 2014, p.475) و با پیوستگی و اتصال به نهادهای اجتماعی سنتی مانند خانواده، شغل، آموزش، روابط پایدار می تواند رفتارهای مجرمانه را کاهش داد (Ferguson et al., 2011, p.650).

نظریه قانون سیاه جاکوبز و رایت

جاکوبز و رایت^۲ معتقدند، قانون برای مجرمانی که موقعیت و پایگاه اجتماعی پایین تری دارند، بیشتر اعمال خواهد شد. افرادی که کمترین پایگاه را دارند، از لحاظ اجتماعی توسط دولت کنترل می شوند، و خود انقیاد به قانون توانایی افراد را برای به دست آوردن اشتغال، کسب درآمد، ازدواج و به دست آوردن آموزش کاهش می دهد، در نتیجه، آنان معتقدند پایگاه و منزلت پایین موجب زایش

1. Parsons

2. Jacob & Wright

پایگاه و منزلت پایین می شود که ناشی از بخشی از کارکرد تبعیض آمیز قانون است (Jacques & Wright, 2010, p.387).

نظریه برچسب

نظریه برچسب^۱، انحراف را فرایندی تبیین می کند که توسط آن برخی مردم موفق می شوند برخی دیگر را منحرف کنند. این نظریه بر نسبی بودن انحراف تأکید کرده و ادعا می کند یک شخص یا یک عمل فقط زمانی انحراف تلقی می شود که برچسب انحراف توسط دیگران به آن زده شود. هاوارد بکر^۲ می گوید: مجرم کسی است که برچسب خورده و جرم، رفتاری است که دیگران به آن برچسب زده اند (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۱۵۰).

رویکرد جرم شناسی پست مدرنیته

این رویکرد نظریه های جرم شناسی را همیشه محلی، جزئی، تصادفی و تحت تأثیر قدرت می داند که نمی تواند حقیقت مطلق جرم را آشکار کنند (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۲۳۲). این رویکرد سرچشمه اصلی سلطه را در دنیای کنونی در کنترل نظام های زبانی نهفته می داند. زبان، تفکر را ساخت بندی می کند. در نگاه آن ها واقعیت اجتماعی شناور، دائماً در حال خلق شدن است و از طریق زبان و نظام گفتمانی بر عده ای غالب می شود و عقاید و ارزش ها از طریق زبان دستکاری می شوند (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۲۳۳).

در تحقیق حاضر هنجارهای رسمی و غیررسمی به عنوان ابعاد متغیر وابسته تحقیق، یعنی پتانسیل رفتار نابهنجار به کار گرفته شده است.

- **هنجارهای رسمی:** مشتمل بر قوانین تشکیلاتی، اداری و مالی کشور و واحدها و مؤسسه های تابعه است، مانند: قانون اساسی، قانون مدنی، قوانین حقوقی و جزایی (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۳۱).

1. Labeling Theory
2. Becker

- **هنجارهای سستی (غیررسمی):** هنجارهایی است که توسط فرد یا افرادی وضع نمی‌شود، بلکه خود به خود و به‌طور تدریجی از اتفاقات روزمره زندگی سرچشمه می‌گیرد و خاستگاهی جز کل جامعه ندارد (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۳۱).

اعتماد اجتماعی و نابهنجاری

یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی اعتماد است. در دیدگاه جامعه‌شناسی اعتماد مقوم نظم اجتماعی بیان شده است. نظمی که روابط مناسبات، اعمال، رفتار، کنش‌های کنشگران را پیش‌بینی‌پذیر، الگومند و قاعده‌مند می‌کند (اسدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۶).

زتومکا

به نظر زتومکا^۱ اعتماد امری نسبی است و اعتمادکردن یا بی‌اعتمادی، بسته به اینکه مناسب یا نامناسب باشد؛ می‌تواند کارکردهایی داشته باشد.

الف) کارکردهای مناسب اعتماد: ۱. باعث تراکم اخلاقی می‌شود؛ ۲. باعث افزایش مشروعیت حکومت می‌شود؛ ۳. پذیرش و درک دیگران را میسر می‌کند؛ ۴. احساس امنیت افراد را افزایش می‌دهد؛ ۵. کنش جمعی را افزایش می‌دهد.

ب) کارکرد مناسب بی‌اعتمادی: باعث مصونیت از خطرات احتمالی می‌شود.

ج) کارکرد نامناسب اعتماد: زمینه‌ساز سوءاستفاده و بهره‌کشی می‌شود.

د) کارکردهای نامناسب بی‌اعتمادی: ۱. باعث فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود؛ ۲. غفلت و تجاهل جمعی را افزایش می‌دهد؛ ۳. موجب شکل‌گیری گرایش‌های تدافعی می‌شود؛ ۴. موجب بیگانگی فرد از هویت واقعی می‌شود؛ ۵. باعث ایجاد رقابت بیشتر و بی‌اعتمادی می‌شود؛ ۶. فرد را از فواید احتمالی و سودمند محروم می‌کند (میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵، ص ۶۲).

1. Sztompka

کلمن

از نظر کلمن^۱ (۱۹۸۸) سه منبع اعتماد قابل تشخیص است: آشنایی از طریق تعامل مکرر، محاسبات فرم اعتماد و هنجارها که اعتماد و قابلیت پیش‌بینی را ایجاد می‌کنند و سه سازوکار که اعتماد از طریق آن ایجاد می‌شود: تماس‌های مستقیم بین فردی، رتبه اعتبار درون یک شبکه و زمینه رسمی یا اجتماعی از مبادلات (Patton & Kenney, 2003, p.11). از نظر کلمن، کاهش این سازوکارها در جامعه به اختلال در سازمان و عدم وابستگی در جامعه منجر می‌شود (AKcomak & Weel, 2008, p.7)، که افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در جامعه می‌تواند از جمله پیامدهای مهم آن باشد.

پاتنام

پاتنام (۱۹۹۵) نیز، اعتماد را در دو شکل اعتماد ضخیم و اعتماد نازک در نظر گرفته است که در اعتماد ضخیم روابط در ارتباطات شخصی قوی و مکرر و در شبکه‌های گسترده‌تر تودرتو تعبیه شده است. اما پاتنام معتقد است اعتماد نازک حتی می‌تواند از اعتماد ضخیم نیز مفیدتر باشد، زیرا گسترش شعاع اعتماد آن فراتر از فهرست افرادی است که می‌شناسیم (Manning, 2010, p.258). از نظر پاتنام اعتماد ضعیف، باعث بی‌نظمی و اختلال اجتماعی و کاهش فعالیت در مشارکت مدنی می‌شود و از سوی دیگر، سرمایه و اعتماد اجتماعی وسیع، تعهد به جامعه را بالا می‌برد (Steinfeld et al., 2008, p.436). از نظر پاتنام، تأثیر درونی سرمایه اجتماعی، افزایش شهروندانی معطوف به اجتماع و قانون‌مدار است که بهتر با دولت همکاری می‌کنند (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۶۹).

فوکویاما

از نظر فوکویاما^۲ (۱۹۹۶) همان‌طور که درگیر شدن در زندگی مدنی با سطوح بالاتری از سرمایه

1. Coleman

2. Fukuyama

اجتماعی همراه است، انحراف اجتماعی نیز منعکس‌کننده سطوح پایین سرمایه اجتماعی است (AKcomak & Weel, 2008, p.2). از نظر وی بی‌اعتمادی به انزوا، ذره‌ای شدن، گسسته شدن پیوندها منجر می‌شود و از سوی دیگر، با تحریک و برانگیختن افراد و جست‌وجو برای یافتن جانشین‌ها، اغلب با پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای بزهکاری و خرده‌فرهنگ‌های منحرف) فرد را از حالت خود خارج و منحرف می‌کند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷).

بورديو

بورديو^۱ سرمایه اجتماعی را مبنای سایر انواع سرمایه‌ها دانسته است. برای او هم سرمایه اجتماعی و هم سرمایه فرهنگی نشان‌دهنده تولید کار انباشته شده است که باید در عرصه اجتماعی مبادله شوند. از نظر بورديو، نظم و امنیت اجتماعی پایدار در وضعیتی شکل می‌گیرد که سرمایه اجتماعی به میزان زیادی وجود داشته باشد. همبستگی مبتنی بر سرمایه اجتماعی، توسعه سیاسی و اقتصادی را نیز به وجود می‌آورد که این دو، خود بر نظم اجتماعی تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، در جوامع توسعه‌یافته سیاسی و اقتصادی، جرائم و ناامنی‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابند؛ بنابراین، نظم اجتماعی به‌طور عمده از طریق هنجارهایی نظیر اعتماد اجتماعی، ارزش‌ها و جز آن به شکل بهتری تأمین و ماندگار می‌شود (حیدری ساربان، ۱۳۹۶، ص ۵۱).

چلبی

به اعتقاد چلبی، اعتماد در وابستگی عاطفی ریشه دارد. هرگاه عواطف زمینه رشد یابد و بتوانند در میان افراد انتقال یابد، اعتماد ایجاد و تقویت می‌شود. چلبی پایه اعتماد را براساس احساس جمعی استوار می‌داند؛ زیرا با شکل‌گیری ما، بعد عاطفی آشکارتر می‌شوند و افراد به هم نوعی دلبستگی عاطفی پیدا می‌کنند. چلبی ناامنی را ناشی از تضعیف اعتماد اجتماعی فرض کرده است که خود در سیاسی شدن نظم اجتماعی ریشه دارد؛ به بیان او در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر رنگ سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی فرهنگی آن ضعیف شود، یعنی ضعف در اجتماع عام

1. Bourdieu

و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در همه سطوح، براساس سوگیری عاطفی خاص گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می شود و به همان نسبت، میزان اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته تضعیف شده، و جنبه امنیتی آن ها برجسته می شود. در چنین نظامی، افراد و گروه ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی کنند (بیدل، ۱۳۹۵، ص ۶۵ - ۶۴).

گیدنز

به اعتقاد گیدنز^۱، اعتماد نوعی پدیده عام و حیاتی در توسعه شخصیت است. اعتماد، در جلوه های عمومی خود به طور مستقیم مرتبط با دستیابی به نوعی احساس امنیت است. گیدنز در بحث از اعتماد بنیادین، ریشه اعتماد را در اطمینان به اشخاص صالح و معتبر مربوط می داند که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل می شود. اعتماد بنیادین، اضطراب را کاهش داده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها را در ذهن فرد تداعی می کند (دسترنج و ملاحی، ۱۳۹۶، ص ۵۱). از نظر گیدنز جوامع نوین به نظام های تخصصی اعتماد تکیه می کنند و این بدان معناست که اعتماد، کلید رابطه بین فرد و نظام های تخصصی است. از نظر گیدنز اعتماد، شیوه ضروری زندگی اجتماعی است. او اعتماد ناب را منوط به اعتماد متقابل می داند که رابطه ای نزدیک با صمیمیت دارد. به عقیده گیدنز، در جوامع نوین اعتماد بین مردم کاهش یافته است (میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵، ص ۶۷).

پیشینه پژوهش

میرفردی و احمدی قارنایی (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و روابط آن با میزان قانون گریزی در یاسوج» انجام دادند. تحقیق آنان بر روی ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج انجام گرفت. نتیجه تحقیق نشان داد با افزایش یا کاهش میزان قانون گریزی افراد، هیچ تغییری در میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی ایجاد

1. Giddens

نمی‌شود. اسدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با میزان کج‌روی فرهنگی» بر روی ۳۶۱ دانشجوی دانشگاه آزاد گرگان، نشان دادند رابطه بین اعتماد و کج‌روی فرهنگی معنادار است و با توجه به نوع رابطه معکوس، می‌توان استنباط کرد با افزایش در میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان، کج‌روی فرهنگی آنان کاهش می‌یابد. خدایاری و همکاران (۱۳۹۶) رابطه سرمایه اجتماعی (درون و برون‌گروهی) با قانون‌گریزی (عینی و ذهنی) در استان ایلام را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی قوی با قانون‌گریزی ذهنی و عینی، و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ضعیف با قانون‌گریزی ذهنی و عینی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ناصرپیرسرائی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی که با عنوان رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم در شهرستان ملارد انجام دادند، تعامل انگاره‌های سرمایه اجتماعی با نگرش‌های اجتماع‌محور در آینه رشدمداری را دنبال کردند. نتایج تجزیه و تحلیل آن‌ها نشان داد رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی در شاکله تقویت نهادهای مردمی و مدنی در پیشگیری از جرم وجود دارد.

ماتسوکاوا و تاتسوکی (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق توانمندسازی جامعه: مطالعه تجربی سرمایه اجتماعی در کیوتوی ژاپن»، انجمن‌های محلی کیوتو را بررسی کردند. مدل‌سازی معادلات ساختاری براساس داده‌های نظرسنجی و پرونده‌های پلیس برای جرائم خیابانی و سرقت‌های مسکونی نشان داد تلاش‌های خاص ساکنان محلی می‌تواند سرمایه اجتماعی را افزایش دهد و به ایمنی و امنیت جامعه به صورت عینی و ذهنی منجر شود. یافته‌های این تحقیق نشان داد سرمایه اجتماعی تأثیر شایان توجهی بر کاهش جرایم خیابانی دارد و ترس از جرم و جنایت را کاهش می‌دهد و با ایجاد رفاه ذهنی سلامتی خانواده‌ها را افزایش می‌دهد و این امر به توانمندسازی جامعه کمک می‌کند. سرگینت و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و ترس از جرم در بریزبن^۱» و با تحلیل ثانویه داده‌های نظرسنجی

1. Brisbane

جمع‌آوری شده از بیش از ۲۰۰۰ نفر در بریزین استرالیا، دریافتند سرمایه اجتماعی - کارایی جمعی - قوی‌ترین رابطه را با کاهش ترس از جرم دارد. روح و لی (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر جنایت: شواهدی از هلند» به تحلیل چندسطحی در سطح کلان و فردی پرداختند. نتایج نشان داد سطح بالای سرمایه اجتماعی باعث کاهش قربانی شدن سرقت می‌شود که براساس سه بعد سرمایه اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته و هنجارهای اجتماعی تأثیر شایان توجهی در کاهش قربانی شدن سرقت دارد.

مدل مفهومی پژوهش

به‌طور خلاصه ابعاد اعتماد را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- **اعتماد تعمیم‌یافته:** این نوع اعتماد را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدا از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. اعتماد تعمیم‌یافته، فقط به افرادی که روابط رودررو دارند، محدود نمی‌شود، بلکه مرزهای همسایگی، خانوادگی، قومی و محلی را درمی‌نورد و در سطح ملی گسترش می‌یابد (اسدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹).

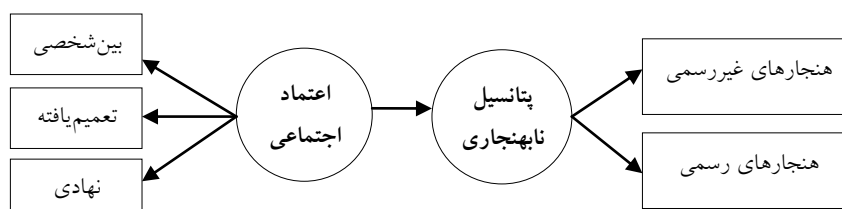
- **اعتماد بین‌شخصی:** این نوع اعتماد، خود را در روابط چهره‌به‌چهره نشان می‌دهد و در هر نوع شبکه‌ای که فرد در آن مشارکت دارد، به کار می‌رود. اعتماد بین‌شخصی، حوزه‌ای از تعاملات میان دوستان، خویشاوندان، همسایگان، همکاران و غیره را دربرمی‌گیرد (اسدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹).

- **اعتماد به نهادها:** اعتماد نهادی دلالت بر میزان مقبولیت، کارایی و اعتمادی که مردم بر نهادها دارند. به تعبیر دوگان^۱، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادند (اسدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹).

با توجه به مباحث یادشده، فرضیه ذیل استخراج و مدل مفهومی تحقیق مطابق با شکل ۱ ترسیم شد.

1. Duggan

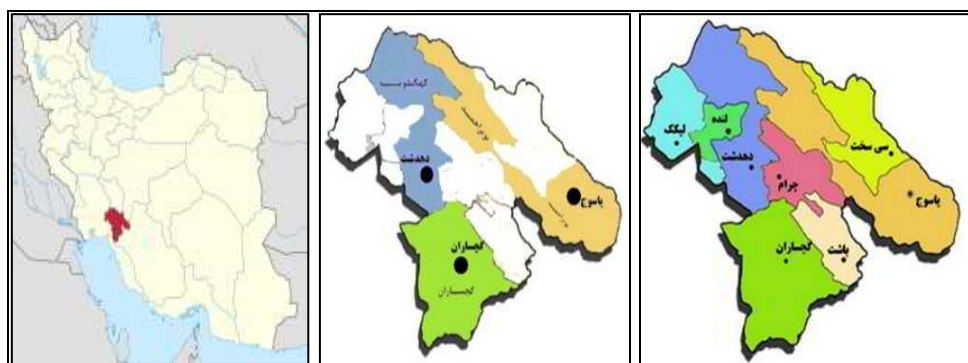
فرضیه اصلی: اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتار نابهنجار تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

معرفی جامعه مورد مطالعه

استان کهگیلویه و بویراحمد که در جنوب غرب کشور واقع شده است و مرکز آن شهر یاسوج است، از شمال به استان چهارمحال و بختیاری، از مشرق به استان‌های فارس و اصفهان، از جنوب به استان‌های فارس و بوشهر و از مغرب به استان خوزستان محدود شده است. استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۵، هشت شهرستان به نام‌های بویراحمد، کهگیلویه، گچساران، دنا، بهمنی، باشت، چرام و لنده و نیز ۱۷ شهر، ۱۹ بخش، ۴۵ دهستان و ۲۲۳۸ آبادی داشته است. جمعیت استان کهگیلویه و بویراحمد براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، برابر با ۷۱۳۰۵۲ نفر است (گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کهگیلویه، ۱۳۹۶، ص ۱۶ - ۱۱).



شکل ۲. نقشه موقعیت سیاسی استان کهگیلویه و شهرستان‌های مورد مطالعه تحقیق حاضر

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی - همبستگی و به صورت مقطعی انجام گرفته است. جامعه آماری، افراد ۶۵-۱۸ سال در مناطق شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد است که بر حسب سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد آنها در حدود ۴۷۰۶۱۴ نفر برآورد می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با استناد به فرمول نمونه‌گیری کوکران^۱ (۱۹۷۷) و تعیین مقادیر $p = ۰/۵$ ، $q = ۰/۵$ ، $t = ۱/۹۶$ ، $d = ۰/۰۳۳$ و $N = ۴۰۸۲۷۵$ ، حجم نمونه ۳۸۲ نفر برآورد شد که برای افزایش دقت به ۴۵۰ نفر افزایش یافت و متناسب با جمعیت شهرنشین (۶۴ درصد)، و روستانشین (۳۶ درصد)، از مناطق شهری و روستایی شهرستان‌های بویراحمد، کهگیلویه و گچساران به‌طور تصادفی انتخاب شدند. نمونه‌گیری متناسب با جمعیت مناطق شهری و روستایی یاسوج (۱۵۹۱۴۱)، دوگنبدان (۸۶۹۸۲) و دهدشت (۵۸۱۹۵) انجام گرفت. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای انتخاب نمونه به‌کار گرفته شد. به این ترتیب که در شهرستان بویراحمد (۲۰ محله شهر یاسوج و ۲۰ روستا)، در شهرستان گچساران (۱۰ محله شهر دوگنبدان و ۶ روستا)، و در شهرستان کهگیلویه (۶ محله شهر دهدشت و ۶ روستا انتخاب) و ۴۵۰ پرسشنامه در آنجا تکمیل شد. در نواحی شهری ابتدا محلات به‌طور تصادفی انتخاب، و بر روی نقشه تعریف و محلات مختلف درون آن علامت‌گذاری شدند؛ سپس، پرسشگران در هر محله به‌طور تصادفی یک کوچه را انتخاب شد، سپس، یک‌درمیان به درب منازل رفته و پس از توجیه پاسخگویان اطلاعات مورد نیاز را از کسانی که حاضر به مشارکت بودند، جمع‌آوری کردند. در نواحی روستایی نیز ابتدا براساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۹۵، دهستان‌های هر شهرستان مشخص شد و متناسب با جمعیت هر دهستان تعدادی روستا که بالای ۵۰ خانوار بودند، به‌طور تصادفی انتخاب و در هر روستا نیز به‌طور تقریبی مرکز روستا مشخص، و بعد از آن به‌طور تصادفی در یک جهت جغرافیایی حرکت و تعداد پرسشنامه‌های مورد نظر در آن مسیر توزیع شد.

1. Cochran

ابزار تحقیق برای سنجش پتانسیل رفتارهای نابهنجار و اعتماد اجتماعی پرسشنامه‌های محقق ساخته با تأکید بر هنجارهای بومی استان است که این کار در مصاحبه با افراد بومی و با توجه به نظرات آن‌ها انجام گرفت. مقیاس پتانسیل رفتارهای نابهنجار ۲۰ گویه دارد و مشتمل بر دو بعد هنجارهای غیررسمی (۱۰ گویه)، و هنجارهای رسمی (۱۰ گویه) است و مقیاس اعتماد اجتماعی دارای ۱۵ گویه، اعتماد بین شخصی (پنج گویه)، اعتماد تعمیم یافته (پنج گویه) و اعتماد نهادی (پنج گویه) طراحی شد. پس از تنظیم ابزار تحقیق، از سه داور متخصص و خبره در حوزه حقوق، جامعه‌شناسی و ادبیات عامه استان کهگیلویه خواسته شد اعتبار محتوایی آن‌ها را ارزیابی کنند، سپس، با تحلیل عاملی تأییدی با چرخش واریماکس، اعتبار سازه‌ای آن‌ها سنجش شد که نتایج در جدول‌های ۱ و ۲ بیان شده است. براساس نتایج، آزمون KMO برای مقیاس پتانسیل رفتارهای نابهنجار (۰/۸۹۷) و برای مقیاس اعتماد اجتماعی (۰/۷۷۰) است که بیان‌کننده کفایت نمونه‌گیری در هر دو مقیاس است. به علاوه، شاخص مجذور کای، برای آزمون کرویت بارتلست، برای هر دو مقیاس پتانسیل رفتارهای نابهنجار و اعتماد اجتماعی در سطح $P < ۰/۰۰۰$ معنادار است و نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل عاملی مقیاس پتانسیل رفتارهای نابهنجار بدون حذف هیچ گویه‌ای در دو عامل هنجارهای رسمی (۱۰ گویه) و هنجارهای غیررسمی (۱۰ گویه) قادرند ۳۳/۲ درصد واریانس سازه پتانسیل رفتارهای نابهنجار را تبیین کنند. تحلیل عاملی مقیاس اعتماد اجتماعی نیز در نهایت، بدون حذف هیچ گویه‌ای توانست در سه عامل اعتماد بین شخصی (پنج گویه)، تعمیم یافته (پنج گویه) و اعتماد نهادی (پنج گویه) ۴۱/۷ درصد واریانس سازه اعتماد اجتماعی را تبیین کنند. برای تعیین پایایی مقیاس پتانسیل رفتارهای نابهنجار و اعتماد اجتماعی با توجه به سطح سنجش آن‌ها از همسانی درونی به روش کودر - ریچاردسون به کار گرفته شد که میزان آن به ترتیب، ۰/۸۲ و ۰/۶۸ به دست آمد که نشان می‌دهد هر دو مقیاس طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردارند.

جدول ۱. تعیین اعتبار و پایایی مقیاس پتانسیل رفتار نابینجار

واکنش یا پاسخ شما در موقعیت‌های زیر چگونه است؟	عامل‌ها		مقدار	واریانس ضریب کودر تبیین شده ریچاردسون
	هنجارهای رسمی	هنجارهای غیررسمی		
	وزن عاملی	وزن عاملی		
دخالت در انتخاب همسر برای فرزندم	۰/۵۰۵			
گذاشتن والدین در سنین پیری در خانه سالمندان	۰/۴۴۹			
برگزاری مراسم عزاداری به کوتاه‌ترین شکل	۰/۴۷۴			
دادن نذری در هنگام بیماری یکی از بستگان نزدیک	۰/۶۱۱			
پوشیدن لباس‌های محلی در مراسم مختلف	۰/۳۹۳			
پذیرش آرایش زنانه دختران قبل از ازدواج	۰/۴۸۲		۵/۴	۱۸/۶
دید و بازدید از اقوام در ایام نوروز	۰/۵۲۳			۰/۶۷
استفاده از قدرت و منزلت ریش‌سفیدان برای حل اختلاف	۰/۴۵۷			
پذیرش ضمانت کلامی بستگان در هنگام معامله	۰/۵۲۳			
آزادانه لباس پوشیدن بدون توجه به نظرات دیگران	۰/۴۸۳			
نادیده گرفتن قواعد رانندگی در موقع ضروری	۰/۵۴۳			
وارد نزاع شدن برای کمک به بستگان	۰/۴۱۳			
شهادت‌دادن به نفع دوستان یا بستگان در هر شرایطی	۰/۵۷۴			
پرداخت رشوه برای انجام شدن کارم در ادارات	۰/۶۷۱			
استفاده از خشونت (کلامی یا فیزیکی) علیه دیگران	۰/۴۶۶		۱/۳	۱۴/۶
دادن پول به دیگران به شرط دریافت سود آن	۰/۵۹۰			۰/۷۵
دادن بیش از یک رأی به نفع کاندیدای مورد نظرم	۰/۶۲۹			
قاچاق کالا برای رفع مشکلات مالی‌ام	۰/۵۱۴			
تلاش برای پیدا کردن پارتنری برای انجام شدن کارم	۰/۵۴۱			
دست بردن در اسناد و مدارک برای انجام شدن کارم	۰/۵۸۰			
آزمون KMo برای کفایت نمونه‌گیری	۰/۸۹۷			
آزمون Bartlett برای درست بودن تفکیک عامل‌ها	Sig = ۰/۰۰۰	Df = ۱۹۰	Chi-square = ۱/۸۹۳	

جدول ۲. تعیین اعتبار و پایایی مقیاس اعتماد اجتماعی

گویه‌ها	عامل‌ها		مقدار واریانس ضریب کودر	ویژه تبیین‌شده ریچاردسون
	بین‌شخصی	تعمیم‌یافته		
	وزن عاملی	وزن عاملی		
پول قرض‌دادن به خویشاوندان یا دوستانم	۰/۵۵۹			
اعتماد به تعهد یا قول شفاهی دوستان و خویشاوندان	۰/۶۸۳			
حساب‌کردن روی کمک همسایگان، دوستان و خویشاوندان در مواقع سختی	۰/۶۹۱	۳/۶	۱۶/۹	
اطمینان به صداقت همسایگان و خویشاوندان	۰/۷۵۴			
اطمینان به ضامن‌شدن وام بانکی دوستان یا آشنایان	۰/۵۶۳			
به‌موقع انجام‌شدن کارتان در هنگام مراجعه به ادارات مختلف	۰/۶۸۴			
عملکرد عادلانه و طبق قانون پلیس	۰/۶۶۸			
اطمینان به عملکرد پزشکان در جامعه	۰/۵۹۰	۱/۷	۱۴/۴	
بی‌طرف و واقعی بودن اخبار شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی کشور ما	۰/۶۱۳			
انجام‌گرفتن کارتان در سازمان یا اداره‌ای بدون پارتی	۰/۵۷۵			
فکر کنم در جامعه ما هر کس به دنبال کار خودش است.	۰/۴۵۷			
احتمال دزدیده‌شدن کیف پول شما در مکان‌های عمومی	۰/۵۶۵	۱/۴	۱۱/۳	
اگر در مغازه‌ای کيفتان را فراموش کنید آیا آن را به شما برگردانند؟	۰/۴۹۷			
احساس امنیت در محل زندگی	۰/۶۹۳			
به نظر شما مردم قابل اعتمادند؟	۰/۶۲۴			
آزمون KMo برای کفایت نمونه‌گیری	۰/۷۷۰			
آزمون Bartlett برای درست‌بودن تفکیک عامل‌ها	Sig = ۰/۰۰۰	Df = ۱۰۵	Chi-square = ۹۲۹/۲۵	

یافته‌های توصیفی

براساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۴۵۰ نفر پاسخگو، ۲۳۰ نفر (۵۱/۱ درصد) مرد و ۲۲۰ نفر (۴۸/۹ درصد) زن بوده‌اند. ۲۱۳ نفر (۴۷/۳ درصد) مجرد و ۲۳۷ نفر (۵۳/۷ درصد) متأهل بوده‌اند. ۲۹۰ نفر (۶۴/۴ درصد) در شهر و ۱۶۰ نفر (۳۵/۶ درصد) در روستا سکونت داشتند. ۱۸۶ نفر (۴۱/۳ درصد) در رده سنی ۱۸ تا ۳۲ سال، ۱۸۰ نفر (۴۰/۰ درصد) در رده سنی ۳۲ تا ۴۸ سال و ۸۴ نفر (۱۸/۷ درصد) بین ۴۸ تا ۶۵ بوده‌اند. به لحاظ درآمد ۷۸ نفر (۱۷/۳ درصد) کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۱۵۱ نفر (۳۳/۶ درصد) بین هزار ۵۰۰ تا ۱ میلیون، ۱۱۸ نفر (۲۶/۲ درصد) ۱ تا ۲ میلیون تومان، ۸۰ نفر (۱۷/۸ درصد) ۲ تا ۳ میلیون تومان و ۲۳ نفر (۵/۱ درصد) در صد بیش از ۳ میلیون بوده‌اند. از نظر تحصیلات ۹ نفر (۲ درصد) پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۶۹ نفر (۱۵/۳ درصد) آن‌ها ابتدایی یا راهنمایی، ۱۴۴ نفر (۳۲ درصد) دبیرستان یا دیپلم، ۱۸۱ نفر (۴۰/۲ درصد) فوق دیپلم یا لیسانس و ۴۷ نفر (۱۰/۴ درصد) آن‌ها فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

براساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین نمره پتانسیل رفتارهای نابهنجار پاسخگویان بر روی مقیاسی با دامنه صفر (کمترین) تا ۲۰ (بیشترین) و میانگین واقعی ۱۰ برابر ۷/۱ بوده است. این یافته تحقیق به این معناست که نمره میزان پتانسیل رفتارهای نابهنجار در مقیاس مورد مطالعه نزدیک به متوسط است. از سوی دیگر، میانگین نمره اعتماد اجتماعی بر روی مقیاسی با دامنه صفر (کمترین) تا ۱۵ (بیشترین) و میانگین واقعی ۷/۵ برابر با ۶/۹ است. این یافته تحقیق به این معناست که میزان اعتماد اجتماعی در ابعاد اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و اعتماد نهادی، در رفتار افراد کمتر از حد متوسط است.

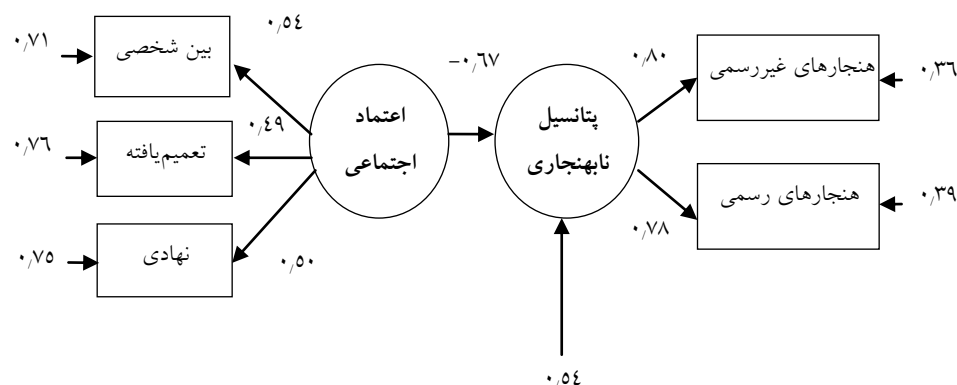
یافته‌ها

بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار است. بر این اساس، برای پیش‌بینی پتانسیل رفتارهای نابهنجار به عنوان متغیر پنهان وابسته، براساس اعتماد

اجتماعی به عنوان متغیر پنهان مستقل، مدل معادلات ساختاری^۱ به کار گرفته شد. در این مدل، پتانسیل رفتارهای نابهنجار با به کارگیری دو متغیر آشکار هنجارهای رسمی و هنجارهای غیررسمی تعریف شده است. بررسی نیکویی برازش^۲ مدل نشان می دهد، مقدار کای اسکوئر برابر با ۱۸/۳ با درجه آزادی ۴ به لحاظ آماری معنادار است ($\text{Sig} = ۰/۰۰۱$). به علاوه، شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد برابر با صفر و نیز شاخص های GFI و AGFI نیز تأیید می کنند که مدل دارای برازش مطلوبی است و با داده های تجربی مورد استفاده، سازگاری و توافق دارد. براساس نتایج، برآورد خطا برای متغیر پتانسیل نابهنجاری غیررسمی برابر با ۰/۳۶ و پتانسیل نابهنجاری رسمی برابر با ۰/۳۹ است. به علاوه، مقدار خطا برای متغیر آشکار اعتماد بین شخصی برابر با ۰/۷۱، اعتماد تعمیم یافته برابر با ۰/۷۶، و اعتماد نهادی برابر با ۰/۷۵ است. بار عاملی متغیر پنهان وابسته پتانسیل رفتار نابهنجار با بعد هنجارهای غیررسمی برابر با ۰/۸۰ و با بعد هنجارهای رسمی برابر با ۰/۷۸ است. از سوی دیگر، بار عاملی متغیر مستقل پنهان اعتماد با بعد اعتماد بین شخصی برابر با ۰/۵۴، اعتماد تعمیم یافته برابر با ۰/۴۹، و اعتماد نهادی برابر با ۰/۵۰ است که با توجه به مقادیر تی (بزرگتر از ۱/۹۶)، هیچ یک از بارهای عاملی رد نمی شوند. ضریب تأثیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار برابر با ۰/۶۷- به دست آمد که با توجه به مقدار تی (۸/۷)، این ضریب معنادار است و نشان می دهد به ازای هر واحد تغییر در اعتماد اجتماعی به چه میزان در پتانسیل رفتار نابهنجار تغییر به وجود می آید. میزان خطای متغیر وابسته پنهان برابر با ۰/۵۴ به دست آمد که نشان می دهد برآورد انجام گرفته دقت مناسبی دارد و متغیر مستقل اعتماد اجتماعی قادر است ۵۶ درصد متغیر وابسته پتانسیل رفتار نابهنجار را تبیین کند.

1. Structural Equation Model
2. Goodness of Fit



$$\text{Chi-square} = 18.3 \quad \text{DoF} = 4 \quad \text{P-value} = 0.001 \quad \text{RMSEA} = 0.089 \quad \text{GFI} = 0.98 \quad \text{AGFI} = 0.94$$

شکل ۳. مدل ساختاری پژوهش

بررسی رابطه متغیرهای جمعیتی و پتانسیل رفتارهای ناهنجار

در تحقیق حاضر متغیرهای جمعیتی (جنسیت، سکونت، وضع تأهل، سن، میزان درآمد و میزان تحصیلات) به عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و ارتباط آنها با پتانسیل رفتارهای ناهنجار برای وضوح بیشتر رابطه متغیرهای اصلی تحقیق، بررسی شد. براساس جدول ۳، میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار مردان بیشتر از زنان است و این تفاوت در سطح ۹۹ درصد معنادار است. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار در مناطق شهری بیشتر از نواحی روستایی است. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار در افراد مجرد به طور معناداری بیش از افراد متأهل است. براساس جدول ۶، افراد با سطوح مختلف تحصیلی به لحاظ میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد افراد با سطوح مختلف درآمدی به لحاظ میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. جدول ۸ نشان می‌دهد بین گروه‌های مختلف سنی به لحاظ میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار تفاوت معناداری وجود دارد که با افزایش سن از میانگین نمره پتانسیل رفتارهای ناهنجار کاسته می‌شود.

جدول ۳. تفاوت زنان و مردان در پتانسیل رفتارهای ناپه‌نچار

جنسیت	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	ضریب معناداری
مرد	۴/۹۰	۵/۸۷	۴۴۸	۰/۰۰۰
زن	۳/۷۰			

جدول ۴. تفاوت مناطق شهری و روستایی در پتانسیل رفتارهای ناپه‌نچار

محل سکونت	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	ضریب معناداری
شهر	۸/۷۸	۱۲/۰۳	۴۴۸	۰/۰۰۰
روستا	۴/۱۲			

جدول ۵. تفاوت مجردان و متأهلان در پتانسیل رفتارهای ناپه‌نچار

تاهل	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	ضریب معناداری
مجرد	۴/۶۷	۷/۲۵	۴۴۸	۰/۰۰۰
متاهل	۳/۸۸			

جدول ۶. تفاوت افراد با سطوح مختلف تحصیلی در پتانسیل رفتارهای ناپه‌نچار

میزان تحصیلات	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	ضریب معناداری
کمتر از دیپلم	۴/۳۳			
ابتدایی یا راهنمایی	۶/۶۰			
دبیرستان یا دیپلم	۷/۰۶	۱/۹۰	۴	۰/۱۰۸
فوق دیپلم یا لیسانس	۷/۶۵			
فوق لیسانس و بالاتر	۶/۵۷			

جدول ۷. تفاوت افراد با سطوح مختلف درآمدی در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

میزان درآمد	میانگین	f	df	sig
کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۷,۲۳	۰,۶۸۸	۴	۰,۶۰۱
۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان	۷,۳۴			
بین ۱ تا ۲ میلیون تومان	۷,۲۸			
بین ۲ تا ۳ میلیون تومان	۶,۳۷			
بیش از ۳ میلیون تومان	۷,۱۷			

جدول ۸. تفاوت افراد با سطوح مختلف سنی در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

سن (سال)	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	ضریب معناداری
۱۸ تا ۳۲	۸,۳۷	۳۹,۲۰	۲	۰,۰۰۰
۳۲ تا ۴۸	۷,۵۰			
۴۸ تا ۶۵	۳,۵۸			

بحث و نتیجه گیری

امروزه ضرورت و اهمیت توجه به آسیب‌های اجتماعی بر هیچ کسی پوشیده نیست، زیرا هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار هنگفتی را به جوامع و دولت‌ها تحمیل می‌کند. پژوهش حاضر با بررسی متون نظری، عوامل مؤثر بر رفتارهای نابهنجار را مورد توجه قرار داد، به‌طوری که به زعم بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار که امروزه فقدان آن، میزان ارتکاب به انحراف، بزهکاری و جرم را افزایش می‌دهد، اعتماد اجتماعی است. در پژوهش حاضر کوشش شد تأثیر اعتماد اجتماعی براساس سه بعد اعتماد بین‌شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار بررسی شود. براساس یافته‌های تحقیق، میانگین نمره‌های پتانسیل رفتارهای نابهنجار افراد بر روی دامنه نمره‌های صفر (کمترین پتانسیل نابهنجاری) تا ۲۰ (بیشترین پتانسیل نابهنجاری) برابر با ۷,۱ است که با میانگین واقعی (عدد ۱۰) فاصله زیادی ندارد. این یافته تحقیق نشان می‌دهد پتانسیل رفتارهای نابهنجار بین شهروندان پایین‌تر از حد متوسط است. این

یافته تحقیق که پتانسیل نابهنجاری را کمتر از حد میانگین نشان می‌دهد، می‌تواند تأیید نظریه دورکیم باشد که معتقد بود نابهنجاری در جوامع سنتی کمتر از مدرن است و در جوامع و اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی برای حفظ نظم عمل می‌کنند. در چنین جوامعی با مقیاس کوچک، غلبه مذهب و نظام خویشاوندی به تضمین و بقای ارزش‌های مشترک و نظم اخلاقی می‌انجامد. در این راستا، فرهنگ غالب فعلی در استان کهگیلویه و بویراحمد با وجود پیشرفت‌های حاصله را هنوز می‌توان همان غلبه فرهنگ سنتی دانست که در نوع و سبک زندگی و فعالیت‌های اقتصادی، حتی در نوع مشارکت سیاسی آن‌ها (انتخابات) هنوز نمایان است. شبکه‌های گسترده نظام خویشاوندی و غلبه مذهب نیز در این استان هنوز کم‌رنگ نشده است. اما این یافته، نظریه بوردیو را که معتقد بود در جوامع توسعه‌یافته اقتصادی، احتمال رفتارهای نابهنجار کاهش می‌یابد، تأیید نمی‌کند، زیرا استان کهگیلویه و بویراحمد نواحی روستایی آن از مناطق محروم و توسعه‌نیافته ایران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میانگین نمره‌های اعتماد اجتماعی بر روی دامنه نمره‌ها از ۰ (کمترین اعتماد اجتماعی) تا ۱۵ (بالاترین اعتماد اجتماعی) برابر با ۶٫۹ است که کمتر از میانگین واقعی ۷٫۵ است. این یافته تحقیق نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی در بین شهروندان براساس سه بعد بین‌شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی پایین‌تر از حد متوسط است، که نشان‌دهنده گسترش بی‌اعتمادی در جامعه مورد مطالعه به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی است. این یافته، تأیید نظریه گیدنز است که معتقد بود در جوامع نوین اعتماد بین مردم کاهش یافته است، اما با توجه به نوع فرهنگ سنتی حاکم بر این استان، انتظار اعتماد اجتماعی بالاتر وجود داشت. همچنین، در بین ابعاد مختلف اعتماد، اعتماد بین‌شخصی از میانگین بالاتری برخوردار بود که نشان می‌دهد نوع اعتماد در جامعه آماری مورد مطالعه بیشتر از نوع اعتماد ضخیم است که پاتنام مطرح کرده بود که روابط در ارتباطات شخصی قوی و مکرر، و در شبکه‌های گسترده‌تر تودرتو تعبیه شده است. همچنین، احساس جمعی و وابستگی عاطفی که چلبی آن را عامل تقویت اعتماد بین‌شخصی می‌داند، در نوع فرهنگ و سبک زندگی جامعه آماری مورد مطالعه در شکل‌های مختلف (همکاری در مراسم مختلف، حمایت و پشتیبانی از خانواده و

اقوام در زمان مشکلات، همدردی و همیاری گسترده در هنگام مشکلات برای یکدیگر و ... جلوه‌گر است و آن را تأیید می‌کند.

براساس یافته‌های تحقیق، بین میزان اعتماد اجتماعی و پتانسیل رفتارهای نابهنجار رابطه منفی و معناداری وجود دارد و طی آن با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، میزان پتانسیل رفتارهای نابهنجار کاهش می‌یابد. براساس مدل ساختاری، اعتماد اجتماعی می‌تواند ۵۶ درصد تغییرات پتانسیل رفتارهای نابهنجار را تبیین کند. یافته تحقیق حاضر با نظریه زتومکا همخوانی دارد، زیرا منشأ مهم اعتماد، در نظریه زتومکا، قواعد و هنجارهای جمعی است که با شیوه جامعه‌پذیری در افراد نهادینه می‌شود و عمل افراد براساس آن است. طبق نظر زتومکا، رعایت تعهدات پایه‌ای تأییدشده در جامعه، تسهیل‌کننده اعتماد است که باعث کاهش غفلت، تجاهل جمعی، انزوا، بیگانگی، عهدشکنی، بهره‌کشی، بی‌نظمی، رقابت منفی و جز آن می‌شود؛ و با افزایش میزان اعتماد اجتماعی به‌ویژه اعتماد بین‌شخصی همراه است. همچنین، با نظریه بوردیو که معتقد بود، نظم اجتماعی به‌طور عمده، از طریق هنجارهایی نظیر اعتماد اجتماعی به شکل بهتری تأمین و ماندگار می‌شود و نظریه کلمن که کاهش سازوکار اعتماد در جامعه را عامل اختلال و عدم وابستگی در جامعه می‌داند و همچنین، فوکویاما که انحراف اجتماعی را منعکس‌کننده سطوح پایین سرمایه اجتماعی فرض می‌کند و در نهایت، پاتنام که تأثیر درونی سرمایه اجتماعی را موجب افزایش قانون‌مداری شهروندان می‌داند، همخوانی دارد. به علاوه، یافته تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین از جمله ناصرپیرسرائی و همکاران (۱۳۹۷)، اسدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۶)، خدایاری و همکاران (۱۳۹۶)، ماتسوکاوا و تاتسوکا (۲۰۱۸)، سارگنت و همکاران (۲۰۱۷)، و روح و لی (۲۰۱۳) منطبق است و آن‌ها را تأیید می‌کند و با نتیجه تحقیق میرفردی و احمدی قارنایی (۱۳۹۵) همخوانی ندارد.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد پاسخ و واکنش جامعه آماری تحقیق حاضر به موقعیت‌هایی مانند نادیده‌گرفتن قواعد رانندگی حدود ۳۵ درصد، نزاع ۴۸ درصد، شهادت دروغ ۱۶ درصد، دادن انعام یا رشوه ۳۷ درصد، استفاده از خشونت (کلامی یا فیزیکی) ۳۰ درصد، دادن ربا ۱۵ درصد،

تخلف انتخاباتی ۲۸ درصد، قاچاق کالا ۱۴ درصد، دست‌بردن در اسناد ۱۵ درصد، و پیدا کردن پارتی ۶۸ درصد مثبت است، که این یافته، نظریه مرتن را تأیید می‌کند که ابزارهای مشروع زمانی که برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه محدود باشند، افراد دست به انحراف می‌زنند و از ابزارهای نامشروع برای رسیدن به اهداف خوشان استفاده می‌کنند. همچنین، زمانی که حدود ۶۷ درصد معتقدند کارشان بدون پارتی انجام نخواهد گرفت، ۷۳ درصد معتقدند کارشان در ادارات به موقع انجام نمی‌گیرد، ۷۳ درصد اخبار داخلی را واقعی نمی‌دانند، بیان می‌کند شهروندان به عملکرد اجرایی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مختلف در جامعه اعتماد ندارند. به زعم پارسونز، در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود. مسنر و روزنفلد نیز معتقدند، زمانی که حمایت نهادهای اجتماعی اصلی جامعه ضعیف باشد، موجب افزایش جرم در جامعه می‌شود.

در تحقیق حاضر تلاش شد اثر سایر متغیرها بر رابطه متغیرهای اصلی تحقیق، یعنی اعتماد اجتماعی و پتانسیل رفتارهای نابهنجار، کنترل شود. بر این اساس، متغیرهای جمعیتی جنسیت، وضع تأهل، سن، میزان درآمد، محل سکونت و میزان تحصیلات به عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و ارتباط آن‌ها با پتانسیل رفتار نابهنجار بررسی شد. تفاوت معنادار زنان و مردان، مجردان و متأهلان، شهری‌ها و روستایی‌ها در میزان پتانسیل رفتار نابهنجار و نیز رابطه منفی سن و پتانسیل رفتار نابهنجار، بیان‌کننده این است که رابطه معنادار بین اعتماد اجتماعی و پتانسیل رفتار نابهنجار متأثر از جنسیت، وضع تأهل، محل سکونت و سن است که باید در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر مبنی بر رابطه منفی و معنادار اعتماد اجتماعی در ابعاد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و نهادی، پیشنهاد می‌شود در بعد اعتماد نهادی که کمترین میانگین نمره را در بین پاسخگویان داشت، ۱. به موقع انجام دادن کارهای شهروندان در سازمان‌ها و نهادهای مختلف تا ۶۸ درصد پاسخگویان حاضر نباشند به دلایل بی‌اعتمادی برای انجام دادن

کارشان به دنبال رفتار نابهنجار پارتی‌بازی باشند. ۲. اخبار شبکه‌های تلویزیونی با دقت بیشتر و جزئیات کامل‌تر با رعایت بی‌طرفی به نشر اخبار پردازند، تا شهروندان اعتماد و رضایت بیشتری از کارکرد آن‌ها داشته باشند. ۳. انعام و رشوه‌دادن ۳۷ درصد پاسخگویان نشان‌دهنده بدکارکردی نهادهای مختلف اجتماعی در جامعه است که این امر تضییع حقوق دیگران و کاهش احترام به صاحب‌منصبان و مسئولان جامعه را در پی دارد. مبارزه و برخورد جدی با این امر زمینه‌ساز افزایش اعتماد اجتماعی و کاهش این رفتار نابهنجار در جامعه خواهد بود. ۴. عملکرد بهتر پلیس در جامعه نیز اعتماد اجتماعی را نسبت به این نهاد بالاتر می‌برد و احتمال ارتکاب جرم را در جامعه کاهش می‌دهد. در اعتماد بین‌شخصی که نمره میانگین آن پایین‌تر از میانگین واقعی بود، پیشنهاد می‌شود: ۵. برنامه‌های فرهنگی خاصی که شبکه‌های قوم‌و‌خویشی را تقویت می‌کند (حتی اگر تشکیل گروه در فضای مجازی)، برگزار شود، تا باعث نزدیکی بیشتر آن‌ها شود و اعتماد بین آن‌ها را افزایش دهد. ۶. ساخت برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در قالب سریال‌های تلویزیونی، کلیپ‌ها، شعر، و ... که بی‌اعتمادی به همسایه را در جامعه کم‌رنگ نشان دهد و زمینه‌ساز گسترش روابط اجتماعی و در پی آن شکل‌گیری اعتماد اجتماعی بین همسایه‌ها باشد. در زمینه اعتماد تعمیم‌یافته، پیشنهاد می‌شود ۷. کارهایی را که انسان‌ها در کمک به دیگران انجام می‌دهند (مانند کمک به زلزله‌زدگان) به‌طوری پررنگ به تصویر کشیده شود، تا کسی احساس نکند در جامعه هر فرد به دنبال کار خود است و با بی‌اعتماد و ناامید از کمک افراد جامعه دست به رفتارهای نابهنجار بزنند. ۸. فرصت‌های شغلی و کنترل نظارتی رسمی در جامعه گسترش یابد، تا برخی افراد به واسطه بیکاری، یا برخی به واسطه ضعف عملکرد کنترل رسمی، دست به رفتارهای نابهنجار زنند که اعتماد عمومی در جامعه خدشه‌دار شود.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، حبیب (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. چاپ هفتم، تهران: نشر سمت.
۲. اسدی‌فرد، محمد، قیطاسی، حسن‌رضا، و علی‌محسنی، رضا (۱۳۹۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با میزان کج‌روی فرهنگی. *انتظام اجتماعی*، سال ۹، شماره ۲، صفحات ۲۴۸ - ۲۳۲.
۳. افشانی، علیرضا، و فرقانی، مهناز (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد. *پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی*، سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۶، صفحات ۱۶ - ۱.
۴. بخارایی، احمد (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*. چاپ سوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. بیدل، پری‌ناز (۱۳۹۵). رابطه اعتماد اجتماعی با امنیت و امنیت اجتماعی. *فصل‌نامه انتظام اجتماعی*، سال ۸، شماره ۱، صفحات ۸۸ - ۵۹.
۶. تامسون، دوگ (۱۳۹۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی: جرم و انحرافات*. ترجمه رضاعلی محسنی، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
۷. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۶). تبیین سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر. *پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۷، صفحات ۶۲ - ۴۵.
۸. خدایاری، سیاوش، جهانبخش، اسماعیل، و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۶). رابطه سرمایه اجتماعی با قانون‌گریزی؛ تبیینی جامعه‌شناختی، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۲، صفحات ۲۸۲ - ۲۶۵.
۹. دسترنج، منصوره، و ملاحی، مهدی (۱۳۹۶). رابطه امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در میان ساکنان شهر بندرعباس. *فصل‌نامه انتظام اجتماعی*، سال ۹، شماره ۱، صفحات ۶۸ - ۴۷.

۱۰. ستوده، هدایت ا... (۱۳۹۵). *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)*. چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات آوای نور.
۱۱. عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، محمدباقر، و اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱۷۲ - ۱۴۵.
۱۲. کمالی، افسانه، و اسکندری، لاله (۱۳۹۰). زنان و اعتماد: مطالعه اعتماد اجتماعی زنان تهران. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، سال ۹، شماره ۱، صفحات ۱۱۸ - ۹۷.
۱۳. گزارش اداره آب و فاضلاب استان کهگیلویه، خردادماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/543942>
۱۴. گزارش استانداری کهگیلویه، ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/470871>
۱۵. گزارش استانداری کهگیلویه، ۴ خردادماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/543232>
۱۶. گزارش رئیس دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد، ۲۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/539903>
۱۷. گزارش سازمان بهزیستی کشور، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/542305>
۱۸. گزارش فرمانده پلیس راه کهگیلویه، مهرماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/554930>
۱۹. گزارش نیروی انتظامی و مبارزه با مواد مخدر، ۲۱ مردادماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://k-b.ir/549594>
۲۰. گزارش نیروی انتظامی و مبارزه با مواد مخدر، ۲۷ خردادماه ۱۳۹۵، برگرفته از <http://kvb.ir/?p=64225>
۲۱. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۹۵ - ۱۳۸۵، معاونت آمار و اطلاعات (۱۳۹۶)، تدوین مژگان محمدی، نظارت کلی بر تهیه و تدوین: حسن نوروزی - رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد.
۲۲. مسنر، استیون اف.، و روزنفلد، ریچارد (۱۳۹۲). *نظریه آنومی نهادی: تبیین جامعه شناختی کلان جرم*. فصل نامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال ۲، شماره ۳، صفحات ۱۸۷ - ۱۶۵.
۲۳. میرفردی، اصغر، و احمدی قارنایی، حکیم (۱۳۹۵). بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط

- بین‌شخصی و روابط آن با میزان قانون‌گریزی در یاسوج. فصل‌نامه انتظام اجتماعی، سال ۸، شماره ۴، صفحات ۸۴ - ۵۹.
۲۴. ناصرپیرسرائی، آرش، شیر، عباس، و مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷). رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: شهرستان ملارد، پاییز ۹۴ لغایت تابستان ۹۵). فصل‌نامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱ (در دست چاپ).
25. Agnew, R. (2015). Using general strain theory to explain crime in Asian societies. *Asian Criminology*, 10, 131-147.
26. Akçomak, I. S., & Weel. B. T. (2008). The impact of social capital on crime: Evidence from the Netherlands, *IZA Discussion Paper*, 3603, 1- 84.
27. Brinkerhoff, D. B., White, L. K., Ortega, S. T., & Weitz, R. (2011). *Essentials of sociology*. United States: Wadsworth Cengage Learning.
28. Ferguson, K. M., Bender, K., Thompson, S. J., Maccio, E. M., Xie, B., & Pollio, D. (2011). Social control correlates of arrest behavior among homeless youth in five U.S. Cities. *Violence and Victims*, 26(5), 648- 668.
29. Ferrante, J. (2011). *Seeing sociology: An introduction*. United States: Wadsworth Cengage Learning
30. Ferris, K., & Stein, J. (2010). *The real world: An introduction to sociology*. New York: W.W.Norton & Company.
31. Frank, V., Ferdik, E., Scott, E., & Wolfe, N. B. (2014). Informal social controls, procedural justice and perceived police legitimacy: Do social bonds influence evaluations of police legitimacy?. *American Journal of Criminal Justice*, 39, 471-492.
32. Giddens, A., & Griffiths, S. (2009). *Sociology*. London: Polity Press.
33. Jacques, S., & Wrigh, R. (2010). Criminology as social control: Discriminatory research & its role in the reproduction of social inequalities and crime. *Crime Law Soc Change*, 53, 383-396.
34. Kendal, D. (2011). *Sociology in over times: The essentials*. United States: Wadsworth Cengage Learning.
35. Kennedy, B., Kawachib, I., Prothrow-Stitha, D., Lochnerb, K., & Gupta, V. (1998). Social capital, income inequality, and firearm violent crime, *Social Science & Medicine*, 47(1), 7-17.
36. Manning, P. (2010). Putnam and radical socio-economic theory. *International Journal of Social Economics*, 37(3), 254-269.
37. Matsukawa, A., & Tatsuki, S. (2018). Crime prevention through community empowerment: An empirical study of social capital in Kyoto, Japan. *International Journal of Law, Crime and Justice*, xxx (xxxx) xxx-xxx, <https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2018.03.007>.
38. Patton, D., & Martin, K. (2003). Innovation and social capital in Silicon Valley. *BRIE Working Paper*, 155, 1-27.

39. Roh, S., & Lee, J. L. (2013). Social capital and crime: A cross-national multilevel study. *International Journal of Law, Crime and Justice*, e 41(1), 58-80.
40. Sargeant, E., Liu, Y., St John, N., Fong Hong, N., Huu, T., Chen, J., & Mazerolle, L. (2017). Social capital and fear of crime in Brisbane. *Journal of Sociology*, 53(3), 637 – 652.
41. Steinfield, C., Ellison, N. B., & Lampe, C. (2008). Social capital, self-esteem, and use of online social network sites: A longitudinal analysis. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29, 434 – 445.
42. Tischler, H. L. (2010). *Introduction to sociology*. Australia: Wadsworth Cengage Learning.